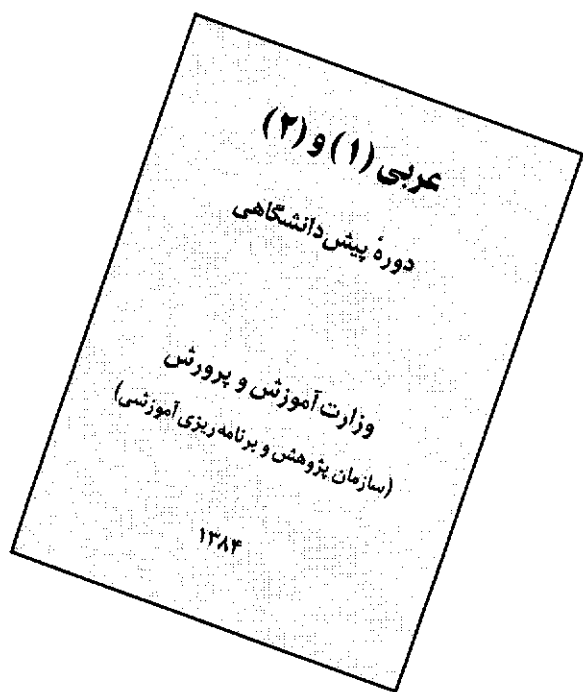


نقد و بررسی عربی (۱) و (۲) پیش دانشگاهی

اسماعیل نساجی زواره



عربی (۱) و (۲) دوره پیش دانشگاهی، ۳۱۶/۱، وزارت آموزش و پرورش (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی)، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴، ۱۴۳ صفحه.

کتاب عربی (۱) و (۲) دوره پیش دانشگاهی (چاپ یازدهم، ۱۳۸۴) از سوی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی در ۱۲ درس و ۱۴۳ صفحه، برای دانش آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی تنظیم شده است. مؤلفان اذعان دارند که این کتاب را مطابق با اهداف نوین آموزش زبان عربی تدوین کرده اند و کوشیده اند مطالبی جذاب و ارزشمند در قالب آیات قرآنی، متون ادبی (شعر و نثر) و قواعد ارائه دهند. همچنین افزوده اند: قواعدی که در کتاب به آن اشاره شده است، مکمل آموخته های دانش آموزان در سه سال دوره دبیرستان است. از این رو، از ذکر قواعدی که در سال های قبل خوانده اند، اجتناب شده است.

برخلاف کتاب های سال اول، دوم و سوم دبیرستان که بخش قواعد با بهره گیری از «روش اکتشافی» تهیه شده است و آموزش قواعد و کاربرد آنها را برای فراگیران تسهیل کرده است، شیوه تألیف و تدوین این کتاب هنوز رنگ سنتی دارد و با دنیای دانش آموزان و آرمان های آنان همسویی و تطابق نسبی ندارد. لذا آنان بدون انگیزه و از روی اجبار اکثر مطالب را حفظ می کنند و تغییر در طرح سؤالات، آنان را از جواب دادن صحیح در مانده می سازد.

آنچه در این سطور از نظر مؤلفان فرهیخته و اساتید محترم پیش دانشگاهی می گذرد، نکاتی است در باب محاسن و نقاط قوت و کاستی های درخور تأمل که نگارنده ضمن تدریس این کتاب طی چندین سال به آنها رسیده است. بنابراین آنچه مطرح می شود، نه یک قضاوت عجولانه و صرفاً فردی است و نه نادیده انگاشتن زحمات آن مؤلفان فرزانه.

امیدوارم از آنچه نوشته می شود، جز رایحه صلاح و خیرخواهی بویی دیگر به مشام نرسد.

نقاط قوت

۱. اولین چیزی که در یک کتاب توجه دانش آموزان را به خود جلب می کند و تا حد زیادی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد، حجم کتاب است. حجم کتاب عربی (۱) و (۲) پیش دانشگاهی به عنوان دو کتاب در قالب ۱۴۳ صفحه بسیار خوب و مناسب است و همین امر سبب می شود که دانش آموزان به یادگیری این زبان رغبت و تمایل بیشتری نشان دهند؛ زیرا حجم زیاد کتاب از همان ابتدا دانش آموز را به وحشت می اندازد.

۲. آوردن متون درس ها در قالب آیات قرآن، عبارات ذبیح البلاغه و صحیفه سجادیه، شعر، داستان و...، این مفهوم را به دانش آموز القای کند که زبان عربی یک زبان زنده و قابل استفاده است که انسان در زندگی روزمره با آن سر و کار دارد.

الكرامة، ذَهَبَتْ دَوْلَتُهُمْ وَضَاعَتْ قَوْتَهُمْ وَأَنْتَهَتْ إِلَى الْفَنَاءِ (درس ۱۱، ص ۱۲۰).

تنظیم و طراحی

هر چند آرایش و کیفیت چاپ این کتاب، نسبت به چاپ کتاب های نظام قدیم تفاوتی چشمگیر و کیفیت درخور توجهی دارد، اما فقط هفت درس آن مصور است و بقیه درس ها و کل تمارین کتاب هیچ گونه تصویری ندارد که این مسئله جذابیت آن را نسبت به سایر کتب عربی (سال اول، دوم و سوم) کاهش داده است. لذا اگر تصاویر بیش تر و بهتری مناسب با هر مقوله کتاب و در صفحات مختلف قرار می گرفت، جذابیت آن را افزایش می داد.

در رسم النخط کتاب گاهی پریشانی و دوگانگی به چشم می خورد؛ مثلاً در صفحه ۵ (قسمت فوائد) جمع مذکر سالم را شماره گذاری کرده؛ امام جمع مؤنث سالم با اینکه بیشتر است، شماره گذاری نشده است.

- در صفحه ۲۶ بهتر بود فقط جمله صله، آبی رنگ و اسم موصول مشکمی یا قرمز باشد؛ زیرا بعضی از دانش آموزان تصور می کنند که اسم موصول جزء صله است.

- در صفحه ۳۸، علامت های جمع مذکر سالم، سبز رنگ، اما علامت های مثنی، مشکمی است.

- صفحه ۴۸: «نصب المضارع» اگر مانند «رفع المضارع» و «جزم المضارع» تعریف شود، مطلب بسیار زیباتر و جذبات تر می گردد؛ یعنی بدین صورت: «يُنْصَبُ الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ إِذَا سَبَقَتْهُ إِحْدَى التَّوَاصِبِ. وَعَلَامَةُ نَصْبِهِ الْفَتْحَةُ أَوْ حَذْفُ التَّوْنِ نَحْو: ...»
- عنوان تمام موضوعات و فوائد در کتاب قرمز رنگ نوشته شده است، اما در صفحه ۴۹ مشکمی است.

- در صفحه ۸۸، دو فایده ذکر شده است که به صورت مفرد (فائده) آمده است؛ در حالی که در صفحه ۴۹ یک مورد است، ولی عنوان آن «فوائد» است.

- تمام آیات قرآن در این کتاب بدون آدرس سوره و شماره گذاری است؛ مثلاً در صفحه ۱۴، سه آیه از سوره حضرت ابراهیم (ع) آمده است، بدون این که شماره گذاری شده باشد؛ لذا بعضی از دانش آموزان تصور می کنند متن تمرین ۵، یک آیه است.
- بعضی از لغات جدید تکراری است. به عنوان مثال، کلمات «مكَلَّ» و «اشواك» به ترتیب در دروس ۱ و ۱۱ و ۳ و ۱۱ تکراری است.

از نکات درخور تأمل و دقت، آوردن تمارین مشابه در یک درس در یک حیطه شناختی است؛ مثلاً درس ۸ تمارین ۲، ۵، ۷ و ۱۲ مربوط به «اعراب» است. همچنین در بعضی از دروس

۳. در طراحی جلد کتاب، ذکر روایت «تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ ...» و شرح حال «سیبویه» بسیار بجای و جالب توجه است و دانش آموزان را وادار می سازد تا به عمق تأثیر فرهنگ و معارف اسلامی و قرآنی بر زبان عربی و نقش دانشمندان بزرگ در پاسداری از حریم این زبان پی ببرند و انگیزه بیش تری برای فراگیری زبان عربی از خود نشان دهند.

۴. جالب ترین نکته ای که در تدوین قواعد این کتاب به چشم می خورد، این است که مطالب به زبان عربی و به صورت مختصر و موجز بیان شده است.

۵. و بالأخره استفاده از انواع رنگ ها (مشکی، آبی، قرمز و سبز) در طراحی کتاب و بیان مطالب.

طولانی بودن عبارات

ناگفته نماند تألیف کتب درسی که بتواند تمام سلیقه ها و دیدگاه ها را اراضی کند، کاری است بسیار مشکل، اما اولین اشکال و ایرادی که بر این کتاب وارد است، طولانی بودن بعضی از عبارات ها و جملات در متن درس هاست. زبان کتاب های درسی باید موجز، روان و از ابهام به دور باشد؛ همچنین روشن نبودن مرجع ضمیرها، حذف های بدون قرینه لفظی یا معنوی از نفود کلام می کاهد.

متن دروس عربی پیش دانشگاهی ساده و هموار نیست و آنچه فهم ترجمه را برای دانش آموزان مشکل می سازد، دشواری لغات و محتوای متن نیست، بلکه طولانی بودن جملات است که سبب شده، فهم ترجمه صحیح برای آنان میسر نشود. لذا دانش آموزان فقط معانی عبارات را حفظ می کنند که از باب اختصار فقط به چند مورد بسنده می کنیم:

۱. «قَالَ رَجُلٌ الَّذِي يَلْقَاكَ مَتَّبِعًا وَيُضْغِي إِلَيْكَ إِذَا حَدَّثْتَهُ وَ يَزُورُكَ مَهْنَةً لَيْسَ صَغِيرَ النَّفْسِ كَمَا يَظُنُّونَ بَلْ هُوَ عَظِيمُهَا ...» (درس ۲، ص ۱۴).

۲. «يَا طَالِبَ الْعِلْمِ أَنْتَ لَا تَحْتَاجُ فِي بُلُوغِكَ الْغَايَةَ إِلَى خَلْقٍ غَيْرِ خَلْقِكَ وَ جَوْ غَيْرِ جَوْكَ وَ سَمَاءٍ وَ أَرْضٍ غَيْرِ سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ وَ عَقْلِ وَ أَدَاةٍ غَيْرِ عَقْلِكَ وَ أَدَاتِكَ وَ لَكِنَّكَ فِي حَاجَةٍ إِلَى نَفْسٍ آيِبَةٍ وَ هِمَّةٍ عَالِيَةٍ» (درس ۲، ص ۱۵).

۳. «... وَ لِذَلِكَ سَقَطَ مِنْ قَدَمَيْهَا فِي الظَّلَامِ عِنْدَ مَا كَانَتْ تُحَاوِلُ أَنْ تَعْبُرَ الشَّارِعَ بِسُرْعَةٍ خَوْفًا مِنْ أَنْ تَصْدِمَهَا سَيَّارَةٌ كَانَتْ مُسْرِعَةً وَ عَادَتْ تَبْحَثُ عَنِ الْجِذَاءِ فَمَا وَجَدَتْهُ ...» (درس ۷، ص ۷۲).

۴. «فَلَمَّا مَالُوا إِلَى الرَّاحَةِ وَ فَشَا بَيْنَهُمْ اسْتِخْدَامُ الْعَبِيدِ يَقَوْمُونَ بِأَعْمَالِهِمْ وَ صَارَ الْعَمَلُ فِي نَظَرِ الرُّؤَسَاءِ مُسْتَهْجَنًا حَقِيرًا بَخْدِشُ



تعداد تمرین‌ها نامناسب است؛ مثلاً در درس ۹ تمرین‌های مربوط به «تمیز» خیلی بیش‌تر از «حال» است.

اشکالات و ایرادات دستوری

- اولین ایراد عربی پیش‌دانشگاهی، مربوط به ترجمه عبارت پایین تصویر حضرت امام خمینی (ره) است که واژه «لغت» به «لغت» ترجمه شده است که اگر به «زبان» ترجمه می‌شد، بهتر بود.
- صفحه ۱: رسم الخط کلمه «امرأة» در آیه ۱۱ سوره تحریم در تمام قرآن‌ها به صورت تائید مبعوث است؛ در حالی که در این کتاب به صورت تائید مبعوث نوشته شده است.
- صفحه ۷: مبحث «تأیید الفاعل مع الفاعل» قسمت «ج»، فعل «عاد» با حرف جر «علی» به کار رفته است؛ در حالی که صحیح آن است که با حرف «الی» به کار رود: «عادَ اِلی».
- در صفحه ۲۳، کلمه «العدی» اسم جمع است، نه جمع «عدو».
- صفحه ۲۴، پاورقی: اسم فاعل کلمه «مولع» کاربرد ندارد و همیشه به صورت اسم مفعول «مولع» به کار می‌رود.
- صفحه ۳۴، درس ۴: کلمه «شغل» به باب «انفعال» نرفته است؛ بنابراین «لأنه مُشغَل بِمَسائل...» غلط است و باید به باب «افتعال» برده شود: «لأنه مُشغِل بِمَسائل...».
- صفحه ۳۶: در عبارت «الكلمة بالنسبة إلى تغيير حركة آخرها...» باید به جای «حركة» کلمه «علامة» نوشته شود؛ زیرا حرکت غالباً دلالت بر اعراب اصلی دارد و کلماتی که اعراب آنها فرعی است، معرب هستند و علامت اعراب آنها به حرف است، نه به حرکت.
- صفحه ۳۷، در عبارت «... ینتهی آخره بالالف» باید به جای حرف جر «ب» از «الی» استفاده کرد؛ یعنی «ینتهی آخره اِلی الألف».
- صفحه ۳۷، مبحث «المنقوص»: با توجه به این که قواعد به زبان عربی بیان است و در مثال‌ها حرف «ی» ذکر شده است، حتماً باید مثال‌ها با «أل» بیاید؛ یعنی به صورت، القاضي، الراضی و الساعی و اگر بخوایم بدون «أل» بیاوریم، باید بنویسیم: قاضٍ، راضٍ، ساعٍ.
- در صفحه ۳۷ فعل «لأنظهر» بر وزن «یَفْعُل» آمده است؛ در حالی که باید بر وزن «بَفْعُل» بیاید؛ زیرا اگر این فعل بر وزن «یَفْعُل» بیاید به معنای «کمزش نیرومند می‌شود»، ترجمه می‌شود.
- در صفحه ۳۸، کلمه «سَلَّة» صحیح نیست، بلکه «سَلَّة» صحیح است.
- در صفحه ۴۲، کلمه «رضاً» باید به صورت «رضی» نوشته شود، اما کلمه «عصاً» صحیح است.
- در صفحه ۴۵، در عبارت «ففى الزّمن الذى سَطَعَتْ فیه»

حَضَارَةُ الْمُسْلِمِينَ فِي الْأَنْدَلُس... «حرف «فی» سه بار تکرار شده است؛ لذا آوردن «فیه» در این جمله نیازی نیست.

- صفحه ۴۵: در جمله «... يَشْعُرُونَ أَنْ هُنَاكَ» بهتر است که فعل «يَشْعُرُونَ» با حرف جر «ب» نوشته شود. در صفحه ۷۲ این فعل با حرف «ب» به کار رفته است: «تَشْعُرُ بِالْبَرْدِ...»
- صفحه ۵۶، «تَفَضَّلُ عَلِي» صحیح نیست؛ زیرا این فعل با حرف جر «علی» معنای «بنشین» نمی‌دهد، بلکه به معنای «نیکی کن» به کار می‌رود. صحیح آن است که به جای «تَفَضَّلُ عَلِي الكرسی» گفته شود: «إِجْلِسْ عَلِي الكرسی مِنْ فَضْلِكَ».
- صفحه ۸۴، فعل «أَنْ يَحْرُمُوهُ» باید به صورت «أَنْ يَحْرَمُوهُ» یا «أَنْ يَحْرَمُوهُ» به کار رود؛ زیرا این فعل در کتاب لغت بر وزن «يَفْعُل» نیامده است.
- صفحه ۸۴، آیه ۴۳ سوره نساء غلط نوشته شده است. صحیح آن چنین است: «... فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا مَاءً...».
- صفحه ۸۵: «... نَحْنُ دُعَاةُ نُورٍ» بهتر است نوشته شود: «... نَحْنُ دُعَاةُ الْإِلَى نُورٍ...».
- صفحه ۸۵: فعل مضارع «أَنْ أَفْرَشَ» باید بر وزن «يَفْعُلُ» بیاید: «أَنْ أَفْرَشَ».
- صفحه ۸۵: فعل «لايشور» باید بر وزن «يفعل»، یعنی «لايشار» بیاید.
- صفحه ۹۲: کاربرد «جواداً بالمال» صحیح است، اما کاربرد «بخيلاً بالأسرار» صحیح نیست؛ زیرا حرف جر «بخل»، «علی» است، نه حرف «ب». پس صحیح آن است که گفته شود: «بخيلاً على الأسرار».
- در صفحه ۹۳، کلمه «البطل» باید به صورت «البطل» می‌آید؛ زیرا در عربی اسم معرب علامت «ب» نمی‌گیرد و دانش‌آموز تصور می‌کند که اسم معرب هم می‌تواند ساکن شود.
- صفحه ۹۳: صحیح کلمه «الهیجا»، «الهیجاء» است.
- صفحه ۱۰۰: کلمه «الحال» مؤنث است؛ لذا خبرش باید به صورت مؤنث «مفرده» بیاید.
- صفحه ۱۰۰: کلمه «هیئة» باید به صورت «هیأت» نوشته شود؛ زیرا اگر همزه در وسط کلمه و خود متحرک و ماقبلش ساکن باشد، به صورت حرف موافق با حرکتش نوشته می‌شود. مثال: یسأل، یلوم.
- صفحه ۱۳۷: عبارت «لِتَحْرِضِ الْمُخَاطَبَ إِلَى أَمْرٍ...» غلط است و صحیح آن عبارت است از: «لِتَحْرِضِ الْمُخَاطَبَ عَلَى أَمْرٍ...»؛ چون حرف اضافه این فعل «علی» است، نه «إلی».
- صفحه ۱۳۷: ترکیب «أمر ممدوح» موصوف و صفت است؛ بنابراین صحیح آن عبارت است از «أمرٌ ممدوحٌ».

اشکال‌های نگارشی و ویرایشی

در کتاب عربی (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی، مؤلفان این اثر و ویراستاران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اصول نگارش را رعایت نکرده‌اند و کتاب به لحاظ ویرایش دچار اشکالاتی مشهود است که در محورهای ذیل تذکر داده می‌شود:

- اولین اشکال مربوط به مقدمه خود کتاب است که شیوه جداولی در آن رعایت نشده است؛ همچون: سالهای، کتابهای، آنجا، پاسخگویی، بدانها، ارزشیابیها و ...
- استفاده نکردن از علامت (:) در جای خود. «تمریناتی از قبیل: اعراب، للاعراب ...» (مقدمه).

- استفاده از ویرگول (،) در جاهایی که لازم نیست: «أنا صاحبة حق، سُرِقَ مِنِّي» (درس ۴، ص ۳۴، سطر ۱۸)، «أنت سُرِقْتَ نَعَاجِي الأَرَبِ، و أَنَا نَائِمَةٌ». (درس ۴، ص ۳۶، سطر ۳). «فَأرْشَارُ الرَّجُلِ إِلَى أَحَدِ الحُرَّاسِ، بَأَن يَرْمِي ...». (درس ۴، ص ۳۵، سطر ۸).

- عبارت «كما يظنون» باید به صورت جمله معترضه بین دو خط فاصله باشد. (درس ۲، ص ۱۴، سطر ۱۰).
- صفحه ۱۴، سطر ۴، (ع) ندارد.

- در صفحه ۸۲، در «التمرین الحادی عشر» عبارت با گیومه باز آمده، اما در پایان بسته نشده است: «انت تلمیذ ... فی عملک.

کاستی‌های کتاب

- در صفحه ۲ می‌خوانیم: «تَبَيَّنَ فِي الآيَةِ الَّتِي قَبْلَهَا ...». منظور آیه ۱۰ سوره تحریم است که آیه ذکر نشده، ولی شرح آن گفته شده است و این مطلب برای دانش‌آموزان جای سؤال است! - حدیثی که در صفحه ۲ از پیامبر (ص) نقل شده است، مأخذ ندارد.

- در صفحه ۵، در قسمت فوائد (شماره ۱)، بهتر بود مثال‌ها به صورت جمع می‌آمد: محمدون-عالمون.

- در صفحه ۶، بهتر بود که برای الف مقصوره دو مثال با دو علامت «ی-ا» ذکر می‌شد؛ زیرا بعضی از دانش‌آموزان تصور می‌کنند علامت الف مقصوره فقط «ی» است. مثال: بشری، الدنيا.

- در صفحه ۶، «اقسام مؤنث» مطلب طوری بیان شده است که تفهیم آن برای دانش‌آموزان کمی مشکل است.

- در صفحه ۶، برای مؤنث حقیقی هیچ‌گونه مثالی از حیوان ماده ذکر نشده است.

- در صفحه ۶۴، باید در تعریف جمله فعلیه، واژه «غالباً» به

کار برده شود؛ زیرا گاهی جمله فعلیه: «تتألف من فعل و فاعل أو فعل و نائب فاعل».

- در صفحه ۶۵-۶۴، هیچ اشاره‌ای به نایب فاعل نشده، اما در صفحه ۶۸ تمرین نایب فاعل آورده است.

- در صفحه ۱۳۶، در قسمت مدح و ذم باید اشاره‌ای به فعل «ساء» می‌شد؛ زیرا کاربرد آن در آیات قرآن زیاد است.

- در صفحه ۱۳۹، نظر به اینکه اسلوب استثنا و شرط در درس قبل گفته شده است، بهتر بود برای جمله‌سازی (تمرین ۳ و ۴) از اسالیب دیگر استفاده می‌شد.

- یکی از مقوله‌هایی که در کنکور سؤال دارد «شکل ...» است که در مقدمه کتاب هم به آن اشاره شده است، ولی مقدار آن در کتاب کم است و آن مقدار کم هم جزء حذفیات است.

- در صفحه ۵۰، فوائد شماره ۱، مؤلفان گفته‌اند که فعل مضارع بعد از امر و نهی مجزوم است، اما این مسئله شرط دارد و شرطش این است که بر سرفعل مضارع حرف «فاء» نیامده باشد؛ زیرا اگر این حرف آید، فعل مضارع منصوب می‌شود. مثال: جُودُوا تَسُودُوا (مضارع مجزوم)، جُودُوا فَتَسُودُوا (مضارع منصوب).

- صفحه ۱۰۰: گاهی رابط حال با صاحبش هم «واو» است و هم «ضمیر»: «خَرَجَ الطَّالِبُ مِنَ المَدْرَسَةِ وَ الكُتُبُ بَأيديهم».

- در صفحه ۱۰۰، یکی از نکات درخور تأمل و سؤال‌انگیز برای دانش‌آموزان این است که در مثال: «خرج الطالب من المدرسة و الكتب بأيديهم» رابط حال با صاحبش حرف واو است یا ضمیر. جواب آن چنین است: اگر حال جمله اسمیه باشد، ارتباط آن با صاحب سه‌گونه است: ۱. با واو، ۲. با ضمیر، ۳. با هر دو.

یکی دیگر از کاستی‌های نگارشی که در تمارین کتاب مشاهده می‌شود این است که سخنان معصومان (ع) در بعضی از تمارین داخل گیومه قرار داده شده است و در بسیاری از جاها قرار داده نشده است. به عنوان مثال، صفحه ۱۷: «مُصَاحِبَةُ الأَبْرَارِ تُوجِبُ الشَّرَفَ وَ مُصَاحِبَةُ الأَشْرَارِ تُوجِبُ التَّلَفَ» یا صفحه ۱۸: «أَفْضَلُ الأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا».

اما مواردی که داخل «» نوشته نشده است:

- صفحه ۴۰: مِنْ ضَاقَ صَدْرُهُ اتَّسَعَ لِسَانُهُ.

- صفحه ۵۱: مَتَى تَصَلَّحْ سَرِيرَتُكَ تَحْسُنْ سَبِيرَتَكَ.

- صفحه ۱۳۸: أَيَاكَ وَ مُصَادَقَةَ الكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ

عَلَيْكَ البَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَنْكَ القَرِيبَ.

- و مواردی دیگر ...

